

DOI: 10.30512/KQ.2020.14290.2739

تحلیل تاریخی جامع‌نگاری علوم قرآن؛ «فضائل القرآن» ابوعبید قاسم بن سلام*

نجمه نجم^۱

مهدی مهریزی^۲

محمدعلی مهدوی‌راد^۳

چکیده

مسلمانان از دیرباز تألیفاتی در علوم قرآن داشته‌اند که از نخستین جامع‌نگاری‌ها «فضائل القرآن» ابوعبید قاسم بن سلام است. سؤال اصلی این است که نگارش فضائل القرآن متأثر از چه عوامل بنیادینی بوده و رتبه عوامل به چه صورت قابل تحلیل است؟ این تحقیق از طریق یک روند منظم و استقرای تحلیلی، داده‌های تحلیلی را در مورد «جریان‌سازی بودن فضائل القرآن»، «رابطه و تعامل فضائل القرآن با کتب هم‌عصر آن» و «عوامل مؤثر بر نگارش فضائل القرآن» بیان کرده است. روش پژوهش حاضر، کیفی بوده و از تکنیک کدگذاری و مقوله‌بندی استفاده شده است. رویکرد ابوعبید در مواجهه با تجمیع احادیث علوم قرآن، به دلیل تخصص و تبحر او در علم حدیث، اجتهادی و نقادانه بوده است. عوامل تأثیرگذار درونی در نگارش فضائل القرآن نقش آفرینی بیشتری داشته و عوامل بیرونی بر نگارش آن به دلیل حرّیت، تخصص و تسلط نویسنده تأثیر کمتری داشته است. مقوله قدمت، ساختار و کارکرد کتاب، عوامل فرهنگی اجتماعی، زمینه‌ای، شخصیت فردی و هم‌نشینان ابوعبید قاسم بن سلام، شهرت، داشتن کتاب تک‌نگاری علاوه بر کتاب جامع، شخصیت علمی و اخلاقی ابوعبید، به ترتیب بیشترین تا کمترین تأثیر را در جریان‌سازی کتاب ایفا کرده‌اند.

واژگان کلیدی: فضائل القرآن، جامع‌نگاری، تاریخ علوم قرآن، ابوعبید قاسم بن سلام.

* تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۸/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۳ (مقاله پژوهشی)

۱. دکتری علوم قرآن و حدیث، کادر علمی و پژوهشگر گروه تفسیر و علوم قرآن پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهرا (س)،

قم، ایران. (نویسنده مسئول) / N.najm@jz.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران / Toosi217@gmail.com

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران / Mahdavidrad@ut.ac.ir

۱- طرح مسأله

ارائه گزارش از منابع علوم قرآن، بر محور زمان و با معرفی نام کتب و منابع تخصصی علوم قرآن در کتب مختلف شیعه و اهل سنت موجود است. بدین ترتیب، شناخت سیر نگارش های علوم قرآن به صورت گزارشی در قالب «تاریخ نقلی» در اختیار جامعه علمی قرار گرفته است؛^۱ اما شناختی که همراه با بازکاوی تاریخی نگارش های علوم قرآن، سهم عوامل درونی و بیرونی مؤثر در نگارش های علوم قرآن را مشخص سازد، محور توجه نبوده است. این پژوهش در صدد است به تحلیل تاریخی جامع نگاری^۲ «فضائل القرآن» ابوعبید قاسم بن سلام بپردازد. این کتاب را باید از اولین کوشش های جدی برای جمع و تدوین بخشی از عناوین علوم قرآن تلقی کرد (مهدوی راد، ۱۳۸۴، ص ۳۰). در این تحقیق، واکاوی از عوامل مؤثر درونی نویسنده در نگارش این کتاب و عناصر و شرایط بیرونی دوره ابوعبید و همچنین، هویت و اصالت متن کتاب «فضائل القرآن» مراد است که مواد تحلیل را بر اساس روزگار مؤلف، تاریخ نگارش متن، زمینه های تاریخی، اجتماعی و سیاسی آن، استادان مؤلف، هم عصران او و ریشه های اندیشه یا مکتب فکری نویسنده و مانند آن فراهم می آورد. بدین ترتیب، سؤالات اصلی این تحقیق عبارتند از: نگارش «فضائل القرآن» توسط قاسم بن سلام متأثر از چه عوامل بنیادینی بوده و رتبه عوامل به چه صورت قابل تحلیل است؟ پیشینه علمی این تحقیق عبارتند از:

۱. «سیر نگارش های علوم قرآنی» محمدعلی مهدوی راد. مهم ترین منبع شیعی معاصر که از حیث گزارشی و در قالب تاریخ نقلی، مبنایی است؛
۲. کتاب «درآمدی بر تاریخ علوم قرآنی» محمدتقی دیاری بیدگلی. به طور کلی، نگاهی تاریخی و پیشینه ای به علوم قرآن و موضوعات آن دارد و در صدد بیان تطورات و کشف عوامل مؤثر بر آن نیست؛
۳. کتاب «متدولوژی علوم قرآنی» اثر ابراهیم فتح اللهی. با رویکردی معرفت شناسانه، علوم قرآنی و چپستی آن؛ سیر تاریخی، رده بندی و روش شناسی هر یک از علوم را بررسی کرده و ملاک های رده بندی علوم قرآنی را از دیدگاه دانشمندان اسلامی توضیح داده است؛
۴. اثر دیگر «فرهنگ نامه علوم قرآن (علوم و تألیفات)» ابراهیم اقبال با عنوان «سیر تطور علوم قرآن» است. این نگارش به تعریف، تقسیم، پیدایش، سیر، پیشرفت و فهرست تألیفات علوم قرآن پرداخته است. آثار موجود، اطلاعات لازم را به صورت گزارش و توصیف منابع علوم قرآن در اختیار جامعه علمی قرار داده اند؛ اما مسأله تحقیق حاضر، معرفت عوامل و دلایل فراز و فرودهای یکی از این نگارش ها و ارائه گزارشی کیفی و تحلیلی از فضائل القرآن است. این تحقیق، به دنبال شناخت همراه با بازکاوی پدیده های تاریخی و تجزیه و تحلیل آنها در جهت جستجوی عوامل مؤثر بر نگارش «فضائل القرآن» و پی جویی آثار و پیامدهای

۱. منابع علوم قرآن در میان اهل سنت مانند: «معجم مصنفات القرآن الکریم» از علی شواخ اسحاق؛ «معجم الدراسات القرآنیة المطبوعة و المخطوطة» از ابتهام مرهون صفار و در میان شیعه مثل: «سیر نگارش های علوم قرآنی» از محمدعلی مهدوی راد.

۲. مراد از جامع نگاری در زمینه علوم قرآن، کتابی است که در تنظیم و تدوین آن مجموعه ای از مباحث مثل تاریخ قرآن، رسم الخط، قرانت، تحریف ناپذیری، اعجاز، مکی و مدنی، سبب نزول، نسخ، محکم و متشابه، به طور تجمیعی یا گزینش چند موضوع علوم قرآن مدنظر بوده است (مهدوی راد، ۱۳۸۴، صص ۸ و ۱۰).

کتاب مذکور بر یک یا چند اثر هم‌عصرش و تأثیر این کتاب بر ادامه روند نگارش‌های علوم قرآن است که طبق جستجوی انجام شده، تاکنون بدان پرداخته نشده است. مزایای این نگارش، تلاش برای تحلیل تاریخی و سامان هدفمند و روشمند اذهان مخاطبان علوم قرآن در مواجهه با منابع تخصصی علوم قرآن است.

روش تحقیق در این مقاله برای تحلیل تاریخی^۱ بر سه تکنیک مبتنی است:

الف) کدگذاری باز: این تحقیق ابتدا به جمع‌آوری داده و تحلیل تاریخی در مورد «فضائل القرآن» ابو عبید قاسم بن سلام و چند منبع علوم قرآن از نویسندگان معاصر او می‌پردازد. سپس، استخراج عوامل مؤثر در هر منبع، در قالب کدگذاری باز انجام می‌شود. کدگذاری باز قصد دارد تا داده‌ها و نکات مرتبط با عوامل مؤثر در منابع و نویسندگان را در قالب مفاهیم درآورد؛ یعنی کلمات، جملات و عبارات‌های مهم بر اساس واحدهای معنایی و مسأله تحقیق، در جداولی دسته‌بندی می‌شوند تا «مفاهیم یا همان کدهای اولیه» به دست آید (ر.ک: فلیک، ۱۳۹۳، ص ۳۳۰). آنگاه، کدها یا همان عوامل مؤثر به دست آمده، اصطلاحاً مقوله‌بندی می‌شوند. مقوله‌بندی به خلاصه‌کردن مفاهیم در قالب مفاهیم عام و آشکار کردن روابط میان مفاهیم جزئی و متعدد با مفاهیم عام و کلی‌تر اطلاق می‌شود (ر.ک: فلیک، ۱۳۹۳، ص ۳۳۰ / محمدپور، ۱۳۹۲، ص ۳۴۰).

ب) کدگذاری محوری: این تکنیک مبتنی بر پالایش و تفکیک مفاهیم و مقوله‌های عمده به دست آمده از کدگذاری باز است؛ یعنی از میان انبوه مفاهیم و مقوله‌های عمده حاصل از کدگذاری باز، مواردی که بیش از سایر مقولات (متناسب با مسأله تحقیق) مؤثر است، انتخاب می‌شوند (ر.ک: فلیک، ۱۳۹۳، ص ۳۳۵ / محمدپور، ۱۳۹۲، ص ۳۴۰).

ج) کدگذاری گزینشی: تحلیل‌گر در این مرحله، بر اساس مقوله‌های محوری به دست آمده به عنوان شاخص، سنجش و مقایسه انجام داده و بالاترین امتیاز را به عنوان مهم‌ترین و مرکزی‌ترین عامل مؤثر در تحقیق انتخاب می‌کند (ر.ک: ابوالمعالی، ۱۳۹۱، ص ۴۱۰ / محمدپور، ۱۳۹۲، ص ۳۴۰). بدین ترتیب در نهایت، تحلیل و رتبه‌بندی عوامل مؤثر در نگارش «فضائل القرآن» ارائه می‌شود.

۲- مروری بر اقتضائات و عوامل تأثیرگذار قبل از نگارش «فضائل القرآن»

نگارش‌های مختلف موجود در علوم اسلامی، از جمله نگارش‌های علوم قرآن، حاصل مجموعه افکار، عقاید، علوم، اقتضائات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بوده که با الهام از آموزه‌های دینی توسط مسلمین پدید آمده است (ر.ک: مکی، ۱۳۸۳، صص ۵-۲۵ / قربانی، ۱۳۷۴، ص ۱۷ / شولز، ۱۳۹۱، صص ۲-۱۱). در نتیجه، تأثیر زمینه‌ها و عوامل فوق در سیر تحول و تطور اندیشه و نگارش‌های مسلمانان در دوره‌های مختلف،

۱. تحلیل‌های برآمده از دانش‌های تخصصی، تحلیل تاریخی است؛ زیرا دانشمند یک حوزه تخصصی بر اساس ابعاد ویژه و اهداف خاصی، به تحلیل و تبیین روش‌مند داده‌های تاریخی دست می‌زند. غرض اصلی او شناسایی و کشف داده تاریخی نیست، زیرا چنین وظیفه‌ای تنها بر عهده مورخ نهاده شده و اوست که می‌تواند به کشف و تصویر واقع‌ای دست پیدا کند. در تحلیل تاریخی، تحلیل‌گر متناسب با داده‌های حوزه تخصصی خود، در سیر تاریخی موضوع مورد پژوهش خود، نتایج تحلیلی خود را گزارش می‌کند (ر.ک: اتکینسون، ۱۳۷۹، صص ۵۲۵ به بعد / کار، ۱۳۷۸، صص ۱۳-۱۵ / والش، ۱۳۶۳، صص ۸۲-۱۲۰).

قابل استخراج و رصد است. از این رو، ظهور جامع‌نگاری علوم قرآن؛ «فضائل القرآن» ابوعبید قاسم بن سلام هم از گذر اتفاقات و عوامل مختلفی به ثمر نشسته است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

با بررسی‌های نگارش‌های موجود در سده نخست و چند دهه از سده دوم، نگارش جامعی در زمینه علوم قرآن وجود ندارد؛ ولی تک‌نگاری‌هایی مانند کتاب «القرائة» یحیی بن یعمر، کتاب «القرارات» مقاتل بن سلیمان، کتاب «الآیات المتشابهات» حمزة بن حبيب و کتاب «مجاز القرآن» ابوعبیده وجود داشته است (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۵، ص ۷/ مهدوی‌راد، ۱۳۸۴، ص ۱۳۸).

قرن دوم و سوم، قرن شکل‌گیری رشته‌های علوم اسلامی و تدوین علوم بوده که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، علم کلام است. ابتدا نزاع بین‌الادیانی و شبهات مطرح‌شده توسط مسیحیان در مورد نبوت، وحی، متن قرآن و در ادامه مسائل دیگر، زمینه‌ساز نگارش‌های تک‌نگاری بیشتری در حوزه علوم قرآن شد. پس از عصر امام صادق(ع)، تطور مذاهب کلامی و همچنین، ترجمه متون یونانی و ایرانی به زبان عربی، مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در اختلاف فکری و کلامی نویسندگان بود. در عهد دولت اموی به تدریج، مباحث کلامی، از مرحله تکوین وارد مرحله رشد و توسعه شد. از اهم عوامل مؤثر در این توسعه، اختلافات سیاسی، انتقال مرکز خلافت به دمشق، انتشار زبان عربی در میان ملل مغلوب در جنگ، آمیختگی ساکنان بلاد مغلوب با اعراب فاتح، وارد شدن عناصر فکری مانوی، مسیحی و یهودی در میان مسلمانان، تشدید اختلافات کلامی درباره نظریه خلق قرآن، شکل‌گیری آراء معتزله و غیره بوده است که در آثار اسلامی تأثیر گذاشته است (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۵، صص ۷-۸/ فاخوری، ۱۳۶۷، صص ۱۱۶-۱۲۵ و ۱۴۳/ رافعی، ۱۳۹۳، صص ۱۴۴-۱۴۵/ پاکتیچی، ۱۳۹۲، ص ۷۶/ مدکور، ۱۳۸۷، صص ۵-۴۶).

بنابراین، در نخستین مباحث علوم قرآن، دانشمندان مسلمان با رویکرد محافظه‌کارانه و سبک نقلی صرف، نگارش می‌کردند. این نکات نشان از تأثیر عوامل محیطی، فرهنگی- اجتماعی و علمی آن روزگار بوده که در تنظیم و نگارش مباحث علوم قرآن نیز اثرگذار بوده است. تحت تأثیر این فرهنگ جدید، آغاز نگارش کتب جامع علوم قرآن از قرن سوم بوده که نگارش «فضائل القرآن» ابوعبید قاسم بن سلام (م. ۲۲۴ق) هم از آغازین تلاش‌هاست (ر.ک: مهدوی‌راد، ۱۳۸۴، صص ۲۷-۳۰).

۳- تحلیل تاریخی «فضائل القرآن» ابوعبید قاسم بن سلام (۱۵۱-۲۲۴ق)

در این بخش، شناخت کتاب از حیث ساختاری، کارکردی و محتوایی، کدگذاری داده‌های مربوط به «فضائل القرآن» و نویسنده آن، مورد عنایت قرار می‌گیرد.

۱-۳- شناخت «فضائل القرآن» از حیث ساختاری، کارکردی و محتوایی

ساختار این کتاب ۴۰۲ صفحه‌ای، ۶۹ باب و ۱۵ بحث علوم قرآن است. کارکرد آن، به عنوان اولین‌های جامع‌نگاری علوم قرآن و البته، بدون لفظ علوم قرآن در عنوان کتاب بوده که شامل تجمیع روایات در موضوعات مختلف علوم قرآن است. برخی از ابواب «فضائل القرآن» عبارتند از: ابواب فضیلت قرآن و یادگیری و یاددادن آن، فضیلت قرائت و گوش‌دادن به آن، فضیلت علم قرآن، قاریان و صفات و اخلاق ایشان، فضائل سوره‌ها و آیه‌ها، تألیف و جمع قرآن، اختلاف مصاحف عثمانی، اعراب قرآن، نزول قرآن در مکه و

مدینه و اولین و آخرین آیات نازل شده، نقطه‌گذاری مصاحف، تقسیم مصاحف به ده جزء و آغاز سوره‌ها و آیه‌ها (ابوعبید، ۱۴۱۵، سراسر اثر).

در نتیجه، نمایه موضوعی این کتاب بدین صورت است: قرائات، جمع، کتابت، نزول، مکی و مدنی، اختلاف مصاحف، نقطه‌گذاری و اعراب. مطالعه و بررسی مباحث مختلف در «فضائل القرآن»، نشان‌دهنده این است که به اقتضای آن دوره و عدم نیاز مخاطب و عدم طرح سؤالات چالشی پیرامون جمع، قرائت، کتابت و غیره، مباحث توسط ابوعبید به صورت گزارشی نقل شده است و تجزیه و تحلیلی موجود نیست (ر.ک: ابوعبید، ۱۴۱۵، صص ۵۰-۷۵ و ۱۱۰-۱۲۷ و ۴۰۲)؛ زیرا در عصر او هنوز تأثیرات خاص نهضت ترجمه (ر.ک: گوستاولوبون، ۱۳۴۴، ص ۲۰۹ / صفا، ۱۳۷۴، صص ۱-۵) و ابعاد مختلف آن، دامنگیر ابوعبید نشده بود. بنابراین، فقط بر اساس همان داده‌های روایی، به نگارش کتاب و جمع‌آوری مباحث مرتبط با علوم قرآن پرداخته است.

۲-۳- کدگذاری^۱ و تحلیل «فضائل القرآن» و نویسنده آن

ابوعبید با داشتن مکتب خراسانی و انس داشتن با عراق و بوم‌های بصره، کوفه و بغداد، «فضائل القرآن» را با رویکرد نقلی و تجمیع روایات در هفت موضوع مهم علوم قرآن به سامان رسانید (ر.ک: ابن‌سعد، بی‌تا، ج ۷، صص ۷۱-۷۲ / خطیب‌بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، صص ۴۰۸-۴۰۹). از طرفی، مباحث ادبی و اعجاز قرآن، چالش‌های متشابهات قرآن، به عنوان مباحث روز در تک‌نگاری‌ها، به طور جدی دنبال می‌شد؛ اما نکته جالب اینکه این موضوع در تجمیع مباحث در «فضائل القرآن» دیده نمی‌شود. شاید ترجیح ابوعبید، پرهیز از مسائل جنجالی و یا پرداختن به آن در قالب یک نگارش متمرکز بوده که پیامدهای آن بر سایر موضوعات علوم قرآن تأثیرگذار نباشد. شاید هم به دلیل تخصص و تبحر او در علم قرائت (ر.ک: ابوعبید، ۱۴۱۵، صص ۱۰۴، ۱۱۱، ۱۳۵-۲۱۴، ۴۰۲) ترجیح داده در مباحث حیطة تخصصی خود، نقل روایت کند و از نقل روایات در سایر مباحثی که در آن تبحری ندارد، پرهیز نماید.

از میان نمایه عناوین علوم قرآن کتاب «فضائل القرآن» که اشاره شد، بحث قرائت در کتاب او پررنگ‌تر است (برای نمونه، ر.ک: ابوعبید، ۱۴۱۵، صص ۱۰۴، ۱۱۱، ۱۳۵-۲۱۴، ۴۰۲). تحلیل کثرت بحث قرائت در کتاب او، با توجه به مطالعات انجام‌شده در مورد زندگی علمی او و نیز شرایط خاص بغداد، پاسخ چالش‌چرایی پرداخت بیشتر او پیرامون موضوعات قرائت را روشن می‌کند. ابوعبید در دوره گذار از سده سوم به چهارم، در حوزه قرائت بغداد، تحول‌ساز بوده است (ر.ک: فروخ، ۱۹۸۴، ص ۲۲۸ / پاکتچی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۳۴۳). قرائت او با غلبه گرایش کوفی (ر.ک: اندرابی، ۱۴۰۷، ص ۹۴) در حدی تأثیرگذار بوده که تا قرن پنجم، رواجی درخور داشته است (ر.ک: مکی بن ابی‌طالب، ۱۳۹۹، ج ۱، صص ۶۴-۶۵).

۱. لازم به ذکر است، جدول «کدگذاری داده‌های مربوط به فضائل القرآن و نویسنده» و همچنین جدول «کدگذاری منابع تأثیرگذار هم‌عصر»، به صورت پیوست آمده و از نتایج داده‌ها و کدها در متن مقاله برای تحلیل منبع استفاده شده است. (لازم به ذکر است، جدول «کدگذاری داده‌های مربوط به فضائل القرآن و نویسنده» و همچنین جدول «کدگذاری منابع تأثیرگذار هم‌عصر»، به دلیل طولانی شدن مقاله درج نشده ولی از نتایج داده‌ها و کدها در متن مقاله برای تحلیل منبع استفاده شده است).

ابوعبید قاسم بن سلام فردی فقیه و محدث، مشهور در قرائت و زبان‌شناسی قرآن است که او را ثقه می‌دانند. همچنین، قدرت مناظره با اساتید خود را داشته و آن‌ها را اقناع می‌کرد. اهل تعامل و سفر بوده و قدرت نقادی داشته است (ر.ک: خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، صص ۴۰۸-۴۱۱/ذهبی، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص ۴۹۲). وی رویکرد عقل‌گرایی را قبول نداشته و به نقد معتزله می‌پرداخت (ر.ک: ابن سعد، بی‌تا، ج ۷، صص ۷۱-۷۲/خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، صص ۴۰۸-۴۰۹/ذهبی، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص ۴۹۲). قیاس را قبول نداشت (برای نمونه، ر.ک: ابوعبید، ۱۴۰۸، صص ۳۸۴، ۴۳۳، ۵۱۵) و هر حدیثی را نمی‌پذیرفت. سند حدیث را بررسی می‌کرد تا به قوت و سلیم بودن آن پی ببرد (برای نمونه، ر.ک: ابوعبید، ۱۴۰۸، صص ۴۳۴-۴۳۵). این روحیه نقادی، نشانگر آن است که در کتاب «فضائل القرآن» خود نیز، احادیث و نقل‌ها را با دقت و بررسی ذکر کرده است. البته، این نکته که احادیث خلاف نظر مشهور وارد می‌کرده، محل تأمل است که به صرف شهرت، حدیث را کنار می‌گذاشته یا پس از بررسی سندی و فقه‌الحدیثی، به شهرت هم عنایت می‌کرده است (ر.ک: پاکتچی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۳۴۳). حتی با وجود برخورد شدید او با شیعیان (ر.ک: ابوعبید، ۱۴۰۳، ص ۵۰/خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۴۰۹)، در مطالعه مطالب کتاب «فضائل القرآن»، عناد مذهبی علیه شیعه بروز و ظهور ندارد. البته، نقل و منبع گزارش احادیث مرتبط با علوم قرآن او از اهل سنت بوده که حتی به نقد آن می‌پرداخته (ر.ک: ابوعبید، ۱۴۰۳، صص ۹ و ۱۰/پاکتچی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۳۴۳) و این نوع نقلها، معمولاً گرفتار حواشی مذهبی نبوده است.

مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در ترویج افکار و نگارش علوم قرآن ابوعبید، تحول‌ساز بودن او در قرائت بغداد در آن شرایط خاص زمانی و اختلاف قرائات گسترده^۱ و همچنین، نگارش‌های تک‌نگاری مرتبط با علوم قرآن او بوده است (ر.ک: ابوعبید، ۱۴۰۸، صص ۳۷۰ و ۵۰۸-۵۱۰/پاکتچی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۳۴۳). ضمن آنکه پرورش ابوعبید در محیط فارسی‌زبان خراسان و برخوردهای او با یونانیان آسیای صغیر و احتمالاً اقلیت‌های زبانی چون قبطیان مصر، شرایط مساعدی بود تا او دیدگاه خود را از زبان عربی فراتر برده و توسعه دهد (سیوطی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴۸۶). به خصوص آنکه شاگرد او علی بن عبدالعزیز در انتقال نظرات و دیدگاه‌های علمی او فعال عمل کرده است (ر.ک: قفطی، ۱۳۷۴، ج ۳، صص ۲۱-۲۲). همچنین، عدم تنش با سردمداران و حاکمان (ر.ک: پاکتچی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۳۴۳)، زمینه مناسبی را برای انتقال و ترویج نظرات او فراهم نمود. حتی پرهیز او از حواشی و ترک بغداد به قصد حجاز برای دوری از ماجرای محنه

۱. ابوعبید فراگرفته‌های خود درباره قرائات گوناگون حجاز، عراق و شام را در کتابی با عنوان «القرائات» نوشته و در آن افزون بر ۲۰ قرائت را ثبت کرد. این اثر ابوعبید، نخستین تألیف شناخته‌شده در دانش قرائت است که در آن قرائات گوناگون در کنار یکدیگر گردآوری شده است و محمد بن جریر طبری در تألیف کتاب «القرائات» خود، شالوده کار را بر این کتاب گذاشت. قفطی در مورد کتاب «القرائات» می‌گوید: ابو عبید قاسم بن سلام هر وی در موضوع علم قرائت، کتاب زیبایی دارد که در میان کوفین قبل از او، مثل آن نبوده است. ابن جزری گوید: ابو عبید قاسم بن سلام، اولین امام معتبری است که روش‌های مختلف قراء را جمع‌آوری نموده و شرح حال بیست و پنج قاری دیگر را هم در کنار قراء هفت‌گانه آورده است. ابوعبید علاوه بر این اثر، در دیگر آثار خود نیز، گاه به نقل قرائت‌های گوناگون و اختلافات مصاحف پرداخته است (ر.ک: ذهبی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۴۱/مکی بن ابی‌طالب، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۲۷/ابن جزری، بی‌تا، ج ۱، صص ۳۳-۳۴).

(ر.ک: زبیدی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۲۰ / خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، صص ۴۰۳ و ۴۱۵)، مانع از برخی پیامدهای حوادث آن دوره در شخصیت و نگارش او شده است.

به طور کلی، آگاهی گسترده ابوعبید از مذاهب گوناگون فقهی و دانش وسیع وی در علوم قرآن و حدیث، او را توانا می‌ساخته تا مجتهدانه و مستقل نظر دهد و نگارش کند و از رویکرد صرفاً مقلدانه بپرهیزد (ر.ک: ابوعبید، ج ۱، ص ۲۸ به نقل از پاکتچی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۳۴۳). از طرفی، منصب قضاوت و نظریه‌پردازی او در مباحث فقهی، تعامل خوب او با عالمان کشورهای دیگر و مهم‌تر از آن، توجه او به شرایط و اقتضائات در صدور حکم (ر.ک: ابوعبید، ۱۴۰۸، ص ۵۵۹)، قابلیت‌های فکری و عملی این نویسنده را روشن می‌کند.

شاخص بودن او در تفسیر احادیث (ر.ک: بخاری، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۱۳۹ / خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۴۱۰) و عنایت به اینکه ثقل مباحث علوم قرآن آن دوره، احادیث بوده است (ر.ک: پاکتچی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۳۴۳)، بر اهمیت نگارش مباحث علوم قرآن توسط او می‌افزاید.

نکات مذکور، مطالب کتاب «فضائل القرآن» را به خصوص، به عنوان اولین‌ها و به نوعی مرجعیت علمی آن، ارزشمند می‌کند. ضمن آنکه تک‌نگاری‌های ابوعبید نیز، مکمل «فضائل القرآن» اوست. بنابر نظر برخی محققان (ر.ک: پاکتچی، ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۲۳۴۳) جامعیت کتاب ابوعبید، آثار پیشین را تحت الشعاع قرار داد و مؤلفان بعدی نیز، کمابیش از آن بهره جستند. در نتیجه، به عنوان یکی از اولین‌ها و یکی از جامع‌نگاری‌های تأثیرگذار محسوب می‌شود.

۳-۳- نتیجه

مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در نگارش کتاب «فضائل القرآن»، علاوه بر قدمت و اولین بودن‌های جامع‌نگاری، عامل ۴۰ سال تخصص حدیث و زبان‌شناسی نویسنده کتاب بوده است. این نکته، او را در تفسیر حدیث، شاخص و برجسته کرده و تخصص ابوعبید در قرائت نیز، به نکته یادشده، قوت بیشتری داده است. قدرت تعامل علمی او با علمای عصر خود، حتی در کشورهای دیگر، رویکرد اجتهادی و نقادانه او، تخصص او در زمینه‌های گفته‌شده، عدم دخالت تعصب مذهبی در نگارش مطالب، کتاب او را جلوه‌گر و محل رجوع ساخته است. به علاوه، دقت نظرهای ابوعبید قاسم بن سلام و کارکرد و هدف‌گذاری کتاب برای تجمیع احادیث و نقل‌های علوم قرآن، نشان از رویکرد معرفتی ذات‌گرایانه نویسنده در نگارش کتاب «فضائل القرآن» دارد. حتی رویکرد اجتهادی ابوعبید به‌ویژه، در مواجهه با احادیث - برای دستیابی به حقیقت و اصالت روایات نقل‌شده که به دلیل تخصص و تبحر او بوده - در برخی موارد موجب برخورد نقادانه او نسبت به احادیث هم شده است. در این دوره عوامل تأثیرگذار درونی در نگارش کتاب نقش داشته و تأثیر عوامل بیرونی آن دوره، بر نگارش «فضائل القرآن» به دلیل حریت، تخصص و تسلط نویسنده به شدت کاهش یافته است. از این رو، کتاب «فضائل القرآن» و نویسنده آن، در دوره خود و دوره‌های بعد تأثیرگذار بوده است.

۴- «فضائل القرآن» و منابع تأثیرگذار هم‌عصر آن

در این بخش، ابتدا منابع تأثیرگذار هم‌عصر «فضائل القرآن» معرفی می‌شود. سپس، تحلیل همه منابع ارائه می‌گردد.

۱-۴- گزینش منابع تأثیرگذار هم عصر «فضائل القرآن»

دامنه بررسی این تحقیق، معطوف به جامع‌نگاری «فضائل القرآن» ابوعبید قاسم بن سلام است؛ اما جهت بررسی دقیق‌تر و با هدف ارتقاء کنترل و پایایی نتایج تحقیق، کتب هم عصر با «فضائل القرآن»، اعم از منابع جامع یا تک‌نگاری که می‌توانست در تحلیل تاریخی و تحلیل عوامل درونی و بیرونی کتاب فضائل و نویسنده آن تأثیرگذار باشد، گزینش شدند تا مورد بررسی قرار گیرند. علاوه بر آن، چون ابوعبید، دارای تک‌نگاری یا نگارش‌های دیگری مرتبط با بحث علوم قرآن بوده که قابلیت کمک به شناخت عوامل مؤثر «فضائل القرآن» را داراست، کتب دیگر او نیز، به طور ضمنی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

بدین ترتیب، برای تحلیل درست منبع «فضائل القرآن»، مهم‌ترین کتب هم عصر علوم قرآن قرن سوم محلّ عنایت است که عبارتند از: «فهم القرآن و حقیقه معناه» محاسبی (۱۶۵-۲۳۴ق)، نظرات علوم قرآنی در آثار جاحظ (۱۶۰-۲۵۵ق)، «تأویل مشکل القرآن» ابن قتیبه (۲۱۳-۲۷۶ق) و تألیفات دیگر ابوعبید (جزوه قرانات، جزوه ناسخ و منسوخ، غریب القرآن، معانی القرآن).

۲-۴- تحلیل و جمع‌بندی «فضائل القرآن» و منابع تأثیرگذار هم عصر آن

با بررسی انجام شده و نتایج حاصل از کدگذاری منابع هم عصر «فضائل القرآن» می‌توان گفت:
 - علوم قرآن مثل سایر دانش‌های اسلامی همچون تاریخ، سیره، کلام و فقه، نخست بر اساس علم حدیث شکل گرفت. به این معنا، تمام گزاره‌های مربوط به تاریخ قرآن، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، در گفتارهای تفسیری پیامبر (ص) و صحابه در قالب روایات و با برخورداری از سلسله اسناد انعکاس یافت و به تدریج، از حدیث جدا شد. برای نمونه، آنچه از رسول اکرم (ص) درباره چگونگی نزول قرآن، انواع وحی و نزول وحی مستقیم، مراتب گذر وحی از خدا تا پیامبر (ص)، نامگذاری کتاب آسمانی و سوره‌ها یا احیاناً آیه‌های آن، مبحث قرانات و چگونگی تلاوت قرآن، تفسیر بسیاری از آیات، ارائه مبانی تفسیر و برحذر داشتن از تفسیر به رأی و غیره نقل شد (ر.ک: بخاری، ۱۴۰۱، ج ۱، صص ۶-۷۱، ۱۴۴ و ۲۰۹ و ج ۴، ص ۲۶۶ و ج ۸، ص ۱۶۷/ کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۷۶/ حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۴۵ و ج ۳، ص ۱۸۳/ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، صص ۲۵۶ و ۲۶۱)، منبع اولیه شکل‌گیری گزاره‌های مربوط به علوم قرآن را فراهم آورده است، مثل «فضائل القرآن» ابوعبید قاسم بن سلام (ر.ک: ابوعبید، ۱۴۱۵، ص ۴۰۲) و «فهم القرآن» محاسبی (ر.ک: محاسبی، ۱۳۹۱، سراسر اثر) که بر اساس تجمیع همین روایات نگارش شده است.
 - در مورد تأثیرگذاری «فهم القرآن» محاسبی بر «فضائل القرآن» جای تأمل وجود دارد. نکته اصلی آن است که اثر کلامی-عرفانی محاسبی که بر اساس قرآن، به ردّ معتزله پرداخت (ر.ک: محاسبی، ۱۳۹۱، صص ۲۵-۳۱) و دیدگاه‌های تصوف را مطرح کرد (ر.ک: دهباشی، ۱۳۶۴، ج ۱، صص ۳۰۸-۳۰۹)، به چه دلیلی آن را «فهم القرآن» یک اثر علوم قرآن می‌دانند؟! تطبیق فهرست موضوعات و مطالب «فهم القرآن» در سنجش با «فضائل القرآن» (ر.ک: محاسبی، ۱۳۹۱، سراسر اثر/ ابوعبید، ۱۴۱۵، سراسر اثر)، نشان می‌دهد

۱. کلینی علاوه بر روایات فراوانی که در زمینه علوم قرآن در باب‌های پراکنده کافی دارد، کتابی خاص با عنوان «فضل القرآن» را به این امر اختصاص داده است (ر.ک: کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، صص ۵۹۵ به بعد).

که «فهم القرآن» مختصات اولیه کتاب علوم قرآن را در این موضوع دارا نیست. به نظر می‌رسد، علوم قرآنی دانستن کتاب «فهم القرآن» صحیح نباشد؛ هرچند مسلماً نکات قابل استفاده در بحث علوم قرآن از این کتاب قابل بهره‌برداری است. ضمن آنکه با توجه به نکات بررسی شده، علی‌رغم بازه زمانی دارای هم‌پوشانی محاسبی با ابوعبید و حضور هر دو در بوم بغداد (ر.ک: خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۴۱۱/ ثبوت، ۱۳۹۳، ج ۱۲، ص ۳۴۸)، محاسبی و کتابش «فهم القرآن» تأثیری بر ابوعبید قاسم بن سلام و «فضائل القرآن» او نداشته‌اند؛ اما تأثیرات «فهم القرآن» و محاسبی بر «احیاء علوم الدین» و غزالی در قرون بعد قابل توجه است (ر.ک: ثبوت، ۱۳۹۳، ج ۱۲، ص ۳۴۸/ همائی، ۱۳۸۷، ج ۱، صص ۱۸۷-۱۸۹، ۱۹۳، ۳۸۰).

- نکته‌سنجی و دقت نظر جاحظ بر شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر عصر او قابل توجه است (ر.ک: خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، صص ۱۲۷-۱۲۸/ آذرنوش، ۱۳۹۵، ج ۱۷، ص ۶۳۴۲). به علاوه، ورود او در مباحث ادبی و توجه به نظم قرآن (ر.ک: جاحظ، ۱۳۶۷، سراسر اثر و ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۱۸۷ و ج ۴، صص ۳۱-۳۲)، رابطه نزدیکی با زبان‌شناسی و اهل لغت بودن ابوعبید قاسم بن سلام دارد. جاحظ از نظر زمانی با ابوعبید و محاسبی، حداکثر هم‌پوشانی را دارد. بغداد و بصره جزو تجربه زیستی هر سه نفر بوده است. البته، در کمیت و کیفیت زندگی آنان تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود (ر.ک: خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، صص ۴۰۸-۴۰۹ و ج ۱۴، صص ۱۲۴-۱۲۵/ امین، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸۸/ ابن ظفر، ۱۹۹۱، ج ۱، ص ۱۹۷/ ابن خلکان، ۱۹۷۲، ج ۲، ص ۵۷). نکات قابل توجه در مورد جاحظ عبارتند از:

۱. ارتباط نزدیک ابوعبید و جاحظ با ایرانیان و آشنایی با یونانیان و هم‌نوا بودن هر دو در مباحث ادبی و تمرکز بر بحث‌های زبان‌شناسی و لغوی قابل توجه است (ر.ک: سیوطی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴۸۶/ جاحظ، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۱۸۷/ آذرنوش، ۱۳۹۵، ج ۱۷، ص ۶۳۴۲).

۲. از طرفی ابن‌قتیبه (م. ۲۷۶ق) از طیف اهل حدیث در دوره‌ای نزدیک و بعد از جاحظ (م. ۲۵۵ق) در اثر مشهور خود، «تأویل مشکل القرآن» به اعجازی‌بودن ساختار بیانی قرآن اشاره کرده است (ر.ک: ابن‌قتیبه، ۱۳۸۴، ص ۱۷) و البته، بدون تلاش برای ارائه نظریه‌ای، در صدد پاسخگویی به پاره‌ای شبهات و اعتراضات مخالفان در این موضوع برمی‌آید. این نکته و توجه به مطالب کتاب «تأویل القرآن»، تأثیر نظریه نظم جاحظ را بر ابن‌قتیبه تداعی می‌کند.

۳. نکته قابل توجه اینکه با توجه به بررسی انجام‌شده، با وجود قرابت زمانی، مکانی و علمی جاحظ با ابوعبید قاسم بن سلام، سندی مبنی بر دیدار یا تأثیرپذیری و تأثیرگذاری این دو نفر بر هم به دست نیامد؛ اما وقتی جاحظ می‌گوید: صحیح‌تر و مفیدتر از کتب ابوعبید تا به حال نوشته نشده (ر.ک: زبیدی، ۱۳۷۳، ص ۲۱۷)، نشان‌دهنده آن است که آثار ابوعبید را دیده و مطالعه کرده است. از آنجا که این دو دارای استاد یا شاگرد مشترک نبوده‌اند (ر.ک: آذرنوش، ۱۳۹۵، ج ۱۷، ص ۶۳۴۲/ پاکتچی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۳۴۳)، احتمال دیدار آنان در جلسات علمی بغداد یا بصره داده می‌شود.

۴. در نتیجه، با توجه به گفته جاحظ، شاید این احتمال قوی‌تری باشد که جاحظ را تأثیرپذیر از ابوعبید و «فضائل القرآن» او بدانیم، با این تحلیل که چه‌بسا ویژگی‌های جغرافیایی، زمانی، دغدغه و گرایش علمی،

پررنگ بودن مباحث ادبی، انگیزه ارتباط با ایرانیان و یونانیان، کنار آمدن با حکومت‌ها و غیره، باعث شده توجهات ابو عبید در طرح مباحث ادبی بیشتر باشد. این موارد و عنایت خاص ابو عبید به مباحث ادبی قرآن، زمینه‌ای تأثیرگذار بر جاحظ علاقمند به مباحث ادبی بوده و موجب شده تا یک گام، مباحث ادبی ابو عبید قاسم بن سلام را جلوتر ببرد و به سمت طرح کلی نظریه اعجاز بیانی هدایت کند (برای مطالعه نظریه جاحظ، ر.ک: آذرنوش، ۱۳۹۵، ج ۱۷، ص ۶۳۴۲). در ادامه نیز، تأثیرگذاری جاحظ بر آیندگان، باعث شده جنبه‌هایی از این نظریه اعجاز او توسط ابن قتیبه و دیگران (ر.ک: ابن قتیبه، ۱۳۸۴، صص ۱۴-۱۵، مقدمه صقر) در دوره‌های بعد، تبیین و تکمیل شود.

- در بررسی اساتید ابو عبید، محاسبی و جاحظ که هم‌پوشانی زمانی دارند، استاد مشترک یافت نشد؛ اما اشتراک موجود بین این سه نفر در ویژگی‌های آن روز بغداد، تلاقی فرهنگ‌های یونانی، ایرانی، عربی و اسلامی در بغداد، عدم تعصب در مورد پذیرش و تبعیت چهار فقیه معروف یا وابسته بودن به یک فرقه خاص، مسدود نبودن باب اجتهاد (ر.ک: خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، صص ۱۲۷-۱۲۸ / محاسبی، ۱۳۹۱، صص ۲۵-۳۱ و ۱۹۸۴، ص ۱۲۲ / پاکتچی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۳۴۳ / آذرنوش، ۱۳۹۵، ج ۱۷، ص ۶۳۴۲ / ثبوت، ۱۳۹۳، ج ۱۲، ص ۳۴۸)، هر سه نفر را به سمت حرّیت در نظرهای علمی و علوم قرآنی سوق داد. در دوره زمانی بعدتر، افرادی مثل ابن قتیبه و ابن مجاهد هم در شرایط نسبتاً مشابهی مسیر اجتهاد را ادامه دادند و ضمن تأثیرپذیری از نظرات علوم قرآن سه نفر مذکور، تفاوت نظرات خود را بیان می‌کردند (ر.ک: ابن قتیبه، ۱۳۸۴، صص ۵۰-۵۲ و ۱۴۲۳، صص ۱۷-۵۳).

- در مورد «تأویل القرآن» ابن قتیبه باید گفت که از «فضائل القرآن» ابو عبید قاسم بن سلام تأثیر پذیرفته است؛ اما با لحاظ شهرت و ثقیل بودن فضا و شرایط اجتماعی به نفع ابو عبید، ابن قتیبه ضمن تأثیرپذیری از «فضائل القرآن»، با حرّیت به نقد دیدگاه‌های علمی ابو عبید پرداخته است (ر.ک: ابن قتیبه، ۱۳۸۴، صص ۱۴-۱۷ و ۱۴۲۳، ص ۳۱-۵۰). نکته‌ای در این رابطه قابل ذکر است:

تألیف کتاب «اصلاح الغلط» ابن قتیبه در نقد کتاب «غریب الحدیث» ابو عبید قاسم بن سلام که موجب خشم عده‌ای از طرفداران خاص ابو عبید (علما) و طرفداران عام (مردم) نسبت به ابن قتیبه شد (ر.ک: ایباری، بی تا، ج ۲، ص ۳۳۴)، نشان از دو مطلب مهم دارد: الف) نشانگر عظمت و جایگاه ابو عبید قاسم بن سلام و نظریات او در میان خواص و عوام است، ب) بازگوکننده روحیه آزاداندیشی ابن قتیبه است که با اذعان به کرامت و عظمت ابو عبید، هر آنچه را که مذهب کوفیین بگوید، صحیح نمی‌داند و با تدبر در مورد آن نظر می‌دهد. ابن قتیبه در مورد خود می‌گوید: راه تقلید صرف به گذشتگان نپیومدم و با جلالت به متقدمین و حقارت به متأخرین نگاه نکردم؛ بلکه منصفانه به هر دو نگرستم (ر.ک: آذرنوش، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۶۳۳). پایداری برخی شخصیت‌ها چون ابن قتیبه که با وجود این حواشی، تقلید را سبک خود نمی‌داند و در مقابل شهرت، ایستادگی می‌کند؛ قابل توجه است.

- درباره جزوات مرتبط ابو عبید قاسم بن سلام و تأثیرگذاری آن بر «فضائل القرآن» او، با توجه به گزارش‌های موجود از این منابع (برای نمونه، ر.ک: سیوطی، ۱۴۰۶، ج ۱، صص ۱۶۹-۲۶۸ و ۳۲۹)، برخی نکات و مطالب این جزوات در موضوع نسخ، وجوه و نظائر، مشابه، بطن و تأویل آیات قرآن، می‌تواند در کتاب او

مؤثر باشد (ر.ک: ابوعبید، ج ۱، مقدمه، به نقل از پاکتچی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۳۴۵ / ابوعبید، ۱۴۰۸، ص ۳۷۰ / خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۴۰۵). در نتیجه، می‌توان نمایه‌های دیگری را نیز به موضوعات نگاشته‌شده علوم قرآن توسط ابوعبید افزود. چه بسا با توجه به نگارش‌های فقهی او، مباحث «فقه القرآن» هم مورد عنایت او بوده باشد (ر.ک: ابوعبید، ۱۴۰۸، صص ۴۹-۵۰ / پاکتچی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۳۴۵). علاوه بر آن، هجده سال منصب قضاوت او - که او را از نظریه‌پردازی به عمل و کاربرد نزدیک کرده و در برخی احکام، نظرات خاصی را بیان کرده است (ر.ک: ابوعبید، ۱۴۰۸، ص ۵۵۹) - ذهن را به سمت توضیح‌های متفاوت فقه‌القرآنی در منابع او متصرف می‌گرداند.

بدین ترتیب، نمایه موضوعات علوم قرآن در نگارش‌های مختلف ابوعبید قاسم بن سلام عبارتند از: قرائت، جمع، کتابت، نزول، مکی و مدنی، نسخ، وجوه و نظائر، متشابه و تأویل، فقه القرآن.

۵- بررسی سیر صعودی یا نزولی «فضائل القرآن» و منابع هم‌عصر آن

بررسی طیف و سبک علمی آثار ذکرشده با تجمیع شاخص محتوایی، روشی و ساختاری^۱ در مباحث علوم قرآن قرن سوم، سیر صعودی، نزولی و مجدداً صعودی را نشان می‌دهد.

- در این مسیر، «فضائل القرآن» ابوعبید قاسم بن سلام در بالاترین نقطه و دارای رتبه اولین میان کتب هم‌عصر خود است. این کتاب را می‌توان در مجموع یک کتاب علوم قرآن با موضوعات مشخص و حتی نزدیک به دوره استقلال علوم قرآن دانست که با تقسیمات منظم علمی به فراخور و تناسب موضوع، مباحث علوم قرآن را مطرح می‌کند. مسلماً قالب اصلی به تناسب زمان، بهره‌مندی از احادیث و نوعی تدبیر در تنظیم، تجمیع و تدوین روایات است که منظم و تا حدودی ساختارمند سامان‌دهی شده است. وجه بارز در تکمیل عناوین دیگر علوم قرآن، با عنایت به جزوات تک‌نگاری ابوعبید بوده که شرح آن گذشت. بنابراین، دارای سیر صعودی و موجب قوت نگارش‌های علوم قرآن بوده است.

پررنگ بودن مبحث قرائت در کتاب فضائل و نگاشته‌های مستقل ابوعبید قاسم بن سلام از آن روست که: اولین دانشمند است که به ضبط قرائت‌های صحیح و جمع‌آوری آن در کتابی مفصل و مبسوط اقدام کرد (ابن جزری، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴). پس «فضائل القرآن» علاوه بر آنکه در جامع‌نگاری علوم قرآن تأثیرگذاری داشته و باعث سیر صعودی نمودار شده است؛ اما به‌طور ویژه، در بحث قرائت، به خصوص، با هم‌افزایی رساله تک‌نگاری قرائت ابوعبید، مبحث خاص قرائت را تأثیرگذارتر نشان می‌دهد.

بنابراین، با کمک منابع علمی و صاحب‌نظران، با ملاک قراردادن قدمت، جامعیت، جایگاه نویسنده و شرح‌نویسی‌ها و تلخیص‌های حول نگارش‌های ابوعبید، همچنین، تأثیرگذاری «فضائل القرآن» و نویسنده آن در دوره خود و در دوره‌های دیگر که نتایج تحلیلی آن ارائه شد، جامع‌نگاری «فضائل القرآن» به‌عنوان اولین‌های کتاب جامع و به‌عنوان یکی از کتب تأثیرگذار بر نگارش‌های بعدی علوم قرآن شناخته می‌شود.

۱. مراد از شاخص محتوایی، پرداخت و پردازش علمی عناوین و مباحث شناخته‌شده مرتبط با علوم قرآن به معنای استقلالی آن است. شاخص روشی و ساختاری، تمرکز و انسجام نسبی مطالب را بر اساس عناوین علوم قرآن در نظر دارد. این شاخص یا در قالب یک کتاب مستقل و به اصطلاح تک‌نگاری یا با طیف قابل توجهی از مباحث و مسائل علوم قرآن با نظامی در قالب کتاب جامع مطرح شده است. به عبارتی، کمیت و کیفیت طرح مباحث علوم قرآن را با نظام و ساماندهی آن در نظر دارد.

نتایج بدست آمده این تحقیق و تأثیرگذاری بالای این کتاب، باعث می‌شود تا نگارنده، نام جریان‌ساز را برای آن به کار گیرد و از «فضائل القرآن» ابو عبید به عنوان کتاب و نویسنده جریان‌ساز علوم قرآن قرن سوم تعبیر کند.

- با معرفی «فهم القرآن» محاسبی به عنوان منبع علوم قرآن در میان فهرست‌نویسی‌ها، از نظر نگارنده، از جهت ارتباط محتوا و ساختار با مباحث علوم قرآن سیر نزولی رخ می‌دهد. این کتاب، اثری کلامی و در برخی موارد، عرفانی است که برای ردّ معتزله و شرح تصوف، با کمک قرآن و طرح برخی عناوین علوم قرآن نگاشته شده است. در نتیجه، برخی مباحث علوم قرآن از این کتاب قابل استفاده است؛ اما اثری علوم قرآنی نیست.

- نظرات علوم قرآنی در آثار جاحظ هم، هرچند فاخر بوده است؛ اما کمک تخصصی به تقویت علم جامع علوم قرآن نمی‌کند، مگر در مباحث مرتبط با اعجاز بیانی که گامی به جلوس است. پس، در قیاس با «فهم القرآن» و به نسبت جامع‌نگاری‌های علوم قرآنی، سیر نزولی دارد.

- در نهایت «تأویل مشکل القرآن» ابن قتیبه مباحث تخصصی علوم قرآن را از حیث محتوا و ساختار و روش، رونق دوباره می‌بخشد؛ اما نه در سطح اثر «فضائل القرآن» ابو عبید قاسم بن سلام. به نسبت «فهم القرآن» محاسبی و آثار جاحظ، نمودار را سیر صعودی می‌دهد؛ اما به حدّ تأثیرگذاری «فضائل القرآن» نمی‌رسد.

۶- نمودار تحلیل و یافته‌ها مربوط به «فضائل القرآن»

این بخش، در سه محور «کدگذاری محوری؛ مقوله‌بندی عوامل مؤثر»، «تحلیل عوامل مؤثر در نگارش فضائل القرآن» و «کدگذاری گزینشی؛ مهم‌ترین عامل تأثیرگذار» پی گرفته می‌شود.

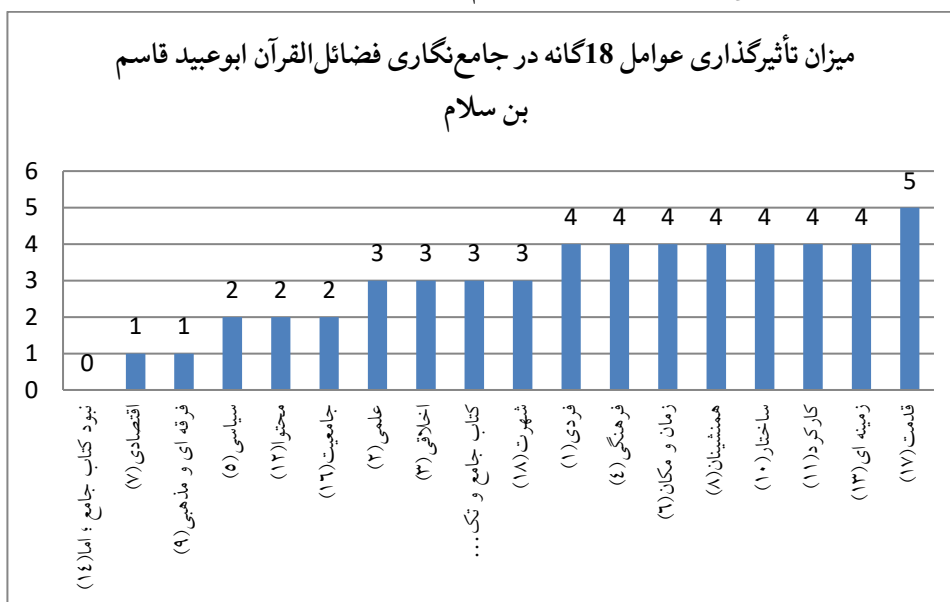
۱-۶- کدگذاری محوری؛ مقوله‌بندی عوامل مؤثر

با تمرکز بر کدهای اولیه در مرحله کدگذاری باز که شامل عوامل متنی، درونی و بیرونی مؤثر بر مورد کتاب فضائل و نویسنده آن است، تلاش شد تا از طریق کدگذاری محوری با نظام منطقی، مقولات مرتبط با هم در یک محور کلی‌تر طبقه‌بندی شوند. در مجموع ۱۸ شاخص به‌عنوان معیار سنجش برای عوامل مؤثر بر نگارش «فضائل القرآن» و نویسنده آن به دست آمد که عبارتند از: ۱. شخصیت فردی ابو عبید، ۲. شخصیت علمی و تخصص او، ۳. شخصیت اخلاقی او، ۴. شرایط فرهنگی اجتماعی دوره او، ۵. شرایط سیاسی آن دوره، ۶. زمان و مکان نگارش فضائل القرآن، ۷. شرایط اقتصادی دوره نگارش، ۸. هم‌نشینی نویسنده اعم از استاد و شاگرد و هم‌بحث، ۹. شرایط فرقه‌ای و مذهبی نویسنده، ۱۰. ساختار کتاب، ۱۱. کارکرد کتاب، ۱۲. محتوای کتاب (شاخص ۱۰، ۱۱ و ۱۲ سه زیر عنوان ذیل عنوان اصلی «هویت و اصالت متن کتاب»)، ۱۳. شرایط زمینه‌ای، ۱۴. نبود کتاب جامع؛ اما داشتن تک‌نگاری، ۱۵. داشتن کتاب جامع و تک‌نگاری هر دو، ۱۶. جامعیت عناوین کتاب، ۱۷. قدمت کتاب و ۱۸. شهرت کتاب و نویسنده.

۲-۶- تحلیل عوامل مؤثر بر نگارش «فضائل القرآن»

با توجه به بررسی انجام شده، «فضائل القرآن» ابوعبید قاسم بن سلام، منبعی جریان‌ساز محسوب می‌شود. در این بخش، به رتبه‌بندی مقوله‌ها یا همان عوامل مؤثر بر جریان‌سازی کتاب «فضائل القرآن» پرداخته می‌شود. عوامل مؤثر، متغیری را گویند که برای تأثیرگذاران در جهت تغییر و تحول عمل می‌کند (ر.ک: سی‌کازی، ۱۳۷۵، صص ۳-۱۶). عوامل مؤثر بر تحلیل کتاب «فضائل القرآن» و نویسنده آن، هر کدام به نوعی و با ضریبی می‌تواند در منبع مذکور مؤثر باشد؛ یعنی میزان و نوع تأثیرگذاری عوامل در قیاس با یکدیگر متفاوت خواهد بود. به عبارتی، میزان تأثیرگذاری برخی از عوامل به حدی است که قابلیت جریان‌سازی و ایجاد تغییرات نظری علمی در یک دوره را داراست که از آن تعبیر به «عوامل مؤثر» با ضریب تأثیر بالا و متوسط می‌شود؛ ولی برخی عوامل، با وجود تأثیر بر نگارش، دارای قدرت جریان‌سازی نبوده‌اند که با وجود تأثیرات حداقلی و ضریب تأثیر آن، «کم‌تأثیر» و در برخی موارد، «غیر مؤثر» نامیده می‌شوند (ر.ک: فیضی، ۱۳۸۷، ص ۱۵ / گلشنی، ۱۳۹۱، صص ۵۴-۵۶). بدین ترتیب، تفکیک عوامل مؤثر در جریان‌سازی کتاب فضائل القرآن و نویسنده آن بدین شرح است:

- قدمت، ساختار و کارکرد کتاب، عوامل فرهنگی اجتماعی، عوامل زمینه‌ای، شخصیت فردی و هم‌نشینان ابوعبید دارای ضریب تأثیر بالاست (هشت مقوله)؛
- نبود کتاب جامع اما داشتن تک‌نگاری یا مقدمه مهم، عوامل اقتصادی، تعصب فرقه‌ای و مذهبی بدون تأثیر هستند (سه مقوله)؛
- مابقی به عنوان عوامل با ضریب تأثیر متوسط و کم ثبت شده‌اند (هفت مقوله).



جریان‌ساز بودن کتاب «فضائل القرآن» متأثر از قدمت و محتوای علمی کتاب فضائل از روایات و تک‌نگاری‌های اولیه و همچنین، عوامل موجود در شخص و درون نویسنده بر اساس مبانی و پیش‌فرض‌ها، مبانی فکری و تخصص علمی نویسنده، مبانی کلامی و تخصص قرائت نویسنده، نیز، تأثیرپذیرفته از منابع

و اساتید نویسنده و اندیشه‌های هم‌عصران ابو عبید بوده است. از طرفی، عوامل بیرونی نویسنده بر اساس اوضاع و احوال فکری و فرهنگی روزگار (مسأله و دغدغه علمی آن روزگار)، بر اساس تأثیر شهرها و مناطق جغرافیایی در ادوار مختلف تاریخی در جریان‌ساز بودن «فضائل القرآن» حائز اهمیت است.

البته، در سهم تأثیر باید گفت که تأثیر عوامل مربوط به مبانی نویسنده، بیشتر از سهم تأثیر عوامل مربوط به مبادی اوست. نویسنده علاوه بر صاحب‌نظر بودن در مبانی، اصول و قواعد علوم قرآن، با توجه به نظریات، فرضیات و سلايق خود، دست به گزینش عوامل شکل‌دهنده تقریرات علوم قرآن خود می‌زند و از همین روست که گاهی نظرات متفاوتی در کتب جامع و تک‌نگاری علوم قرآن او منعکس شده است. با توجه به عوامل مؤثر در مبادی فکری ابو عبید قاسم بن سلام و به خصوص اساتید، شاگردان و منابع در دسترس او که سهم بسزایی در مجرای فکری و اندیشه‌ای او داشته است، اکثریت مفاهیم ذکر شده در مقوله شخص، شخصیت، خلیات نویسنده و به عبارتی، عوامل درونی نویسنده جزو عوامل مؤثر طبقه‌بندی می‌شود؛ اما مفاهیم مرتبط با «مبانی» فکری و علمی ابو عبید با ضریب تأثیر بالاتر و مفاهیم مرتبط با «مبادی» فکری و علمی او با ضریب تأثیر پایین‌تر لحاظ می‌شود که در برخی موارد، به عنوان کم‌تأثیر نیز قابل محاسبه است.

همچنین، عوامل هویت و اصالت متن (ساختار و کارکرد کتاب فضائل)، میزان تأثیر آن بر منابع و نویسندگان برجسته دیگر و تأثیرپذیری از منابع و نویسندگان برجسته قبلی نیز، قابل تأمل خواهد بود.

۳-۶- کدگذاری گزینشی؛ مهم‌ترین عامل تأثیرگذار

طبق کدگذاری گزینشی و مقایسه انجام‌شده بین عوامل، عامل اصلی دائرمدار بر مقوله «قدمت» است؛ یعنی مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در جریان‌سازی کتاب «فضائل القرآن»، قدمت این کتاب و اولین‌های جامع‌نگاری بر اساس داده‌های روایی است؛ زیرا زمینه‌سازی فکری مباحث علوم قرآن در سه قرن اول انجام شده و منبع داده‌های علوم قرآن، احادیث و نقل راویان سه قرن اول بوده است. داده‌های علوم قرآن در سه قرن اول، از میان روایات موجود در کتب تفسیری و روایات موجود در رساله‌های تک‌نگاری، قابل استخراج بوده است. حتی دست‌مایه و زمینه‌های اولیه علوم قرآن و نگارش‌های جامع علوم قرآن در قرن‌های بعدی، همان روایت و نقل راویان در ضمن تفاسیر و در قالب تک‌نگاری‌های علوم قرآن در سه قرن اول بوده است، همان روایاتی که تجمیع آن در قالب یک نظام هدفمند با رویکرد جامع‌نگاری و با گزینش احادیث بر اساس تخصص حدیث‌شناسی ابو عبید قاسم بن سلام انجام شده است.

نتیجه‌گیری

کتاب «فضائل القرآن» و نویسنده آن، در دوره خود و دوره‌های بعد، به‌حدّی تأثیرگذار بوده که آن را جریان‌ساز در تاریخ منابع علوم قرآن می‌دانیم. دقت نظرهای ابو عبید قاسم بن سلام و کارکرد و هدف‌گذاری کتاب برای تجمیع احادیث و نقل‌های علوم قرآن، منتج به رویکرد معرفتی ذات‌گرایانه نویسنده در نگارش کتاب فضائل شد. حتی رویکرد اجتهادی ابو عبید، به‌ویژه، در مواجهه با احادیث، برای دستیابی به حقیقت و اصالت روایات نقل‌شده در مورد علوم قرآن بوده که آن هم، به دلیل تخصص و تبحر او در علم حدیث بوده است و در برخی موارد، موجب برخورد نقادانه او نسبت به احادیث هم شده است. در این کتاب، عوامل

تأثیرگذار درونی در نگارش و جریان‌سازی آن نقش داشته و تأثیر عوامل بیرونی بر نگارش «فضائل القرآن» به دلیل حرّیت، تخصص و تسلط نویسنده به شدت کاهش یافته است. رتبه اول عوامل تأثیرگذار بر نگارش جریان‌ساز «فضائل القرآن» متعلق به مقوله قدمت است. رتبه دوم، مربوط به ساختار و کارکرد کتاب، عوامل فرهنگی اجتماعی، زمینه‌ای، شخصیت فردی و هم‌نشینان ابوعبید قاسم بن سلام بوده است. عواملی چون شهرت، داشتن کتاب تک‌نگاری علاوه بر کتاب جامع و شخصیت علمی و اخلاقی ابوعبید در رتبه سوم است. در نتیجه، محوری‌ترین مقوله و عامل تأثیرگذار در جریان‌ساز بودن کتاب «فضائل القرآن»، قدمت این کتاب جامع بوده که مبتنی بر احادیث و تک‌نگاری‌های دو قرن اول در ساختار و کارکردی جامع توسط ابوعبید ساماندهی شده است.

منابع و مآخذ

۱. ابن جزری، محمد بن محمد؛ *النشر فی القراءات العشر*؛ به کوشش علی محمد ضیاع، بیروت: دارالکتب العلمیة، بی تا.
۲. ابن خلکان، احمد بن محمد؛ *وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان*؛ بیروت: دارالصادر، ۱۹۷۲م.
۳. ابن سعد، ابو عبد الله محمد بن سعد؛ *الطبقات الکبری*؛ بیروت: دارالصادر، بی تا.
۴. ابن ظفر مکی صقلی، محمد بن ابی محمد؛ *انباء نجباء الابناء*؛ به کوشش ابراهیم یونس، قاهره: بی تا، ۱۹۹۱م.
۵. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم؛ *تأویل مشکل القرآن*؛ به کوشش ابراهیم شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۳ق.
۶. _____؛ ترجمه: محمدحسن بحری بیناباج، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۸۴ش.
۷. ابوالمعالی، خدیجه؛ *پژوهش کیفی از نظریه تا عمل*؛ تهران: علم، ۱۳۹۱ش.
۸. ابو عبید قاسم بن سلام؛ *الأموال*؛ به کوشش محمدخلیل هراس، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
۹. _____؛ *فضائل القرآن*؛ به کوشش مروان العطیة، محسن خرابه و وفاء تقی الدین، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۱۵ق.
۱۰. ابیاری، ابراهیم؛ *«عیون الاخبار ابن قتیبة تراث الانسانية»*؛ قاهره: وزارة الثقافة و الإرشاد القومي، بی تا.
۱۱. اتکینسون، آر.اف؛ *فلسفه تاریخ، روش شناسی و تاریخ نگاری*؛ ترجمه: حسینعلی نودری، تهران: طرح نو، ۱۳۷۹ش.
۱۲. امین، احمد؛ *ضحی الاسلام*؛ بیروت: دارالکتب العربی، بی تا.
۱۳. اندرابی، احمد بن ابی عمر؛ *قراءات القراء المعروفین بروایات الرواة المشهورین*؛ به کوشش احمد نصیف جنابی، بیروت: دارالعلم، ۱۴۰۷ق.
۱۴. آذرنوش، آذرتاش؛ *«مدخل ابن قتیبه»*؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۷ش.
۱۵. _____؛ *«مدخل جاحظ»*؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۵ش.
۱۶. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ *الصحيح البخاری*؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
۱۷. پاکتچی، احمد؛ *«مدخل ابو عبید قاسم بن سلام خزاعی»*؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۲ش.
۱۸. ثبوت، اکبر؛ *«مدخل ابو عبد الله حارث محاسبی»*؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۳ش.
۱۹. جاحظ، عمرو بن بحر؛ *الحيوان*؛ به کوشش عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۳۵۷ق.
۲۰. _____؛ *البيان و التبيين*؛ به کوشش عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۳۶۷ق.
۲۱. حاکم نیشابوری، محمد بن محمد؛ *المستدرک علی الصحيحین*؛ به کوشش یوسف مرعشلی، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۶ق.

۲۲. خطیب بغدادی، احمد بن علی؛ *تاریخ بغداد او مدینه السلام*؛ به کوشش مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
۲۳. دهباشی، مهدی و میرباقری فرد، سیدعلی اصغر؛ *تاریخ تصوف؛ سیرتطور عرفان اسلامی از آغاز تا قرن ششم هجری*؛ تهران: سمت، ۱۳۶۴ش.
۲۴. ذهبی، محمد بن احمد؛ *معرفة القراء الکبار*؛ به کوشش محمد سید جاد الحق، قاهره: دار الکتب الحدیثه، ۱۳۸۷ق.
۲۵. رافعی، مصطفی صادق؛ *اعجاز القرآن و البلاغة النبویة*؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۳۹۳ق.
۲۶. زبیدی، محمد بن حسن؛ *طبقات النحویین و اللغویین*؛ به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دارالمعارف، ۱۳۷۳ق.
۲۷. سی کازبی، پل؛ *پایه‌های پژوهش در علوم رفتاری*، ترجمه: حجت‌الله فراهانی و حمیدرضا عریضی، تهران: روان، ۱۳۸۷ش.
۲۸. سیوطی، جلال‌الدین؛ *المزهر فی علوم اللغة*؛ به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم و دیگران، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۶ق.
۲۹. شوخ اسحاق، علی؛ *معجم مصنفات القرآن الکریم*؛ ریاض: دارالرفاعی، ۱۴۰۳ق.
۳۰. شولز، رینهارد؛ *نگاهی نوبه تاریخ جهان اسلام*؛ ترجمه: امیربهرام عرب‌احمدی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱ش.
۳۱. صفای ذبیح‌الله؛ *تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی*؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ش.
۳۲. فاخوری، حنا و الجبر، خلیل؛ *تاریخ فلسفه در جهان اسلامی*؛ ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷ش.
۳۳. فروخ، عمر؛ *تاریخ الأدب العربی*؛ بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۴م.
۳۴. فلیک، اووه؛ *درآمدی بر تحقیق کیفی*؛ ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷ش.
۳۵. فیضی، کامران و سرکیسیان، آلفرد؛ «*تجزیه و تحلیل معیارهای کیفیت در روش‌های تحقیق کیفی*»؛ فصلنامه مطالعات جهانگردی، شماره ۸، ۱۳۸۷ش، ص ۱-۲۳.
۳۶. قربانی، زین العابدین؛ *علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین*؛ قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ش.
۳۷. قفطی، علی بن یوسف؛ *انباه الرواة*؛ به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: المکتبه العصریه، ۱۳۷۴ق.
۳۸. کار، ای. اچ.؛ *تاریخ چیست*؛ ترجمه: حسن کامشاد، چ ۵، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۸ش.
۳۹. کلینی؛ *الکافی*؛ تحقیق: علی‌اکبر غفاری، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ش.
۴۰. گلشنی، علیرضا و قائدی، محمدرضا؛ «*روش تلفیقی؛ برآیند نقد روش‌های کمی و کیفی*»؛ فصلنامه روشها و مدل‌های روانشناختی، شماره ۹، ۱۳۹۱ش، ص ۴۳-۶۹.
۴۱. گوستاولوبون؛ *تمدن اسلام و عرب*؛ ترجمه: محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران: بنگاه مطبوعاتی علی‌اکبر علمی، ۱۳۴۴ش.
۴۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ *بحار الأنوار*؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۴۳. محاسبی، حارث بن اسد؛ *التوهم: رحلة الانسان الى عالم الآخرة*؛ به کوشش محمد عثمان خشت، قاهره: بی‌نا، ۱۹۸۴م.

۴۴. _____؛ *فهم القرآن و حقیقة معناه*؛ به کوشش حسین القوتلی، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۱ق.
۴۵. محسنی تبریزی، علیرضا؛ *روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری (زمینه و کاربرد)*؛ تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۵ش.
۴۶. محمدپور، احمد؛ *روش تحقیق کیفی ضد روش*؛ تهران: جامعه شناسان، ۱۳۹۲ش.
۴۷. مخزومی، مهدی؛ *مدرسه الکوفة و منهجها فی دراسة اللغة و النحو*؛ قاهره: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده، ۱۳۷۷ق.
۴۸. مدکور، ابراهیم؛ *فی الفلسفة الاسلامیة؛ منهج و تطبیقه*؛ ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: نگاه، ۱۳۸۷ش.
۴۹. مرهون صفار، ابتسام؛ *معجم الدراسات القرآنیة المطبوعة و المخطوطة*؛ بیروت: دارالمقتبس، ۱۴۳۵ق.
۵۰. معرفت، محمدهادی؛ *التمهید فی علوم القرآن*؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
۵۱. مکی، محمدکاظم؛ *تملن اسلامی در عصر عباسیان*؛ ترجمه: محمد سپهری، تهران: سمت، ۱۳۸۳ش.
۵۲. مکی بن ابیطالب، ابومحمد؛ *الابانة عن معانی القرائات*؛ به کوشش محیی الدین رمضان، دمشق: دار المأمون، ۱۳۹۹ق.
۵۳. مهدوی راد، محمدعلی؛ *سیر نگارش های علوم قرآنی*؛ تهران: هستی نما، ۱۳۸۴ش.
۵۴. نحوی، سید سیف الله؛ *آل بویه حامیان فرهنگ تشیع*؛ قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱ش.
۵۵. والش، دبلیو. اچ؛ *مقدمه ای بر فلسفه تاریخ*؛ ترجمه: ضیاء الدین علایی طباطبایی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳ش.
۵۶. همائی، جلال الدین؛ *غزالی نامه*؛ تهران: هما، ۱۳۸۷ش.